



فروش مدرک دکتری جعلی

بعد از گفت و گو با حمیدزاده، سراغ یکی از معتمدان محلی می‌روم که در جریان معضلات این محدوده قرار دارد. حبیبی با بیان اینکه جرم و خلاف در میدان پنج‌راه به صورت علنی به انجام می‌رسد، می‌گوید: «از فیلم‌های مبتذل تا تبلیغ خالکوبی، پاسور، مواد مخدر و خرید و فروش مدارک هویتی در این جا بدون هیچ محدودیتی انجام می‌شود. کافی است دوری در میدان بزنید و تبلیغ انواع و اقسام این‌ها زیر گویشتان زمزمه شود. حالا فکر کنید که چه قدر زائر اینجا رفت و آمد دارند. بگذریم که برخی از شهرستان‌ها می‌آیند برای خرید همین چیزها که اینجا راحت به دست می‌آید. همه این‌ها اینجا به راحتی در دسترس است اما از این‌ها زیاد گفته شده. شاید باور نکنید که از همین میدان پنج‌راه، مدرک دکتری خریده باشند و استخدام جایی شده باشند. چندسال پیش خودم دیدم فردی را که از همین جا مدرک دکتری خریده بود. حالا حساب کنید در این جا خرید و فروش شناسنامه و کارت ملی چقدر راحت و بی دردسر باشد!».



کودکان معصومی که مجرمان حرفه‌ای می‌شوند!

بعد از گفت و گو با حبیبی، سراغ یک معلم می‌روم که در یکی از مدارس شهرک «شهید باهنر» درس می‌دهد. او بچه‌های زیادی را می‌شناسد که به مدرسه نمی‌آیند، چون شناسنامه ندارند؛ با اینکه هفت جد و آبا و اجدادشان ایرانی هستند. می‌گوید: «متأسفانه خانواده‌های این بچه‌ها به شدت آسیب دیده هستند و اصلاً نمی‌توانید تصور کنید بعد از اینکه پدر معتادشان شناسنامه‌هایشان را به قیمت ناچیز بفروشد، آن‌ها بروند دنبال مدارک المثنی! این بچه‌ها فقط به خاطر نداشتن شناسنامه و مدارک هویتی به مدرسه نمی‌آیند و سرنوشتشان کف خیابان، در معابر شلوغ و برای تکدی‌گری، محفل‌های خلافکاری و مجرمانه و... رقم می‌خورد. این بچه‌ها اغلب در آینده مجرمان خوبی می‌شوند چون همان استعدادی را که قرار بود در مدرسه شکوفا کنند، در کارهای خلاف به کار می‌گیرند.» این معلم قدیمی ادامه می‌دهد: «دلم آتش می‌گیرم وقتی می‌بینم کودک معصومی تبدیل به نوجوان چاقوکش می‌شود و یا ساقی مواد مخدر. این‌ها اغلب همان بچه‌های معصومی هستند که مدرسه نرفته‌اند و درس نخوانده‌اند.».

قرار است تا فردا صبح یک میلیون و پانصد هزار تومان برای دلال سبزه‌رو ببرم و شناسنامه «مهیار» را تحویل بگیرم. نمی‌دانم «مهیار» دقیقاً چه شکلی است؟ بچه چه خانواده‌ای است؟ اصلاً خانواده دارد یا از آن بچه‌هایی است که می‌برندشان برای گدایی؟! چندسال دیگر که بزرگ‌تر می‌شود می‌تواند به مدرسه برود؟ شناسنامه‌اش را در آینده اندیا پدر معتادش آن را فروخته است؟!.

به فروش رسیده هم مربوط به افراد متوفی است.».



ایرانی‌های خریدار مدارک هویتی در کنار مهاجران بی هویت

تصورم این بود که بیشتر افراد مهاجر، خریداران پروپاقرص مدارک هویتی هستند و حمیدزاده هم با نظر من موافق است، اما طبق دیده‌های او خریداران مدارک هویتی ایرانی هم کم نیستند. او می‌گوید: «اصلاً عده‌ای از افراد، مدارک هویتی را می‌خرند و به افغانستان و پاکستان می‌فرستند و در آنجا تغییرات جعلی اعمال می‌کنند، اما غیر از این‌ها خود ایرانی‌ها برای موارد مختلف، مدارک هویتی می‌خرند.» او در ادامه صحبت‌هایش به مردی اشاره می‌کند که سال‌ها پیش یک گواهینامه رانندگی خریداری کرده و تا الان با همان گواهینامه کار می‌کند؛ یا از افرادی سخن به میان می‌آورد که به شکل غیرقانونی فرزند می‌گیرند و بعد می‌افتند دنبال مدارک شناسایی‌ای که با مشخصات آن‌ها نزدیک باشد. «خانم این‌ها کارشان درست است. از یک نفر که شناسنامه بخری، عکس را هم می‌گذارند رویش و مهری می‌زنند که خود اداره ثبت احوال به آن خوبی نمی‌زند.» به قول او، هر کدام از این دلال‌ها به یک تیم وصل است که اسناد جعلی می‌سازند، دست در شناسنامه‌ها می‌برند، گواهینامه درست می‌کنند و مدرک تحصیلی تحویل می‌دهند. حمیدزاده که تازه در دلالش باز شده چند تا نیه سکوت می‌کند تا قبل از تعریف خاطره‌ای که می‌خواهد به زبان بیاورد، اندوهش را از صدایش بگیرد:

«چند وقت پیش معتادی ۵ تا شناسنامه آورده بود و منتظر بود یک نفر آن‌ها را بخرد. چند دقیقه‌ای با هم حرف زدیم. ۵ تا بچه داشت که یکی از آن‌ها تازه به دنیا آمده بود. فرزند بزرگش هم دختری ۱۵ ساله بود. گفت بچه‌هایش شناسنامه نمی‌خواهند چون هیچ کدامشان مدرسه نمی‌روند. گفت لازم باشد بچه‌هایش را هم می‌فروشد. حتی برای نوزادش هم دنبال مشتری بود.».

بدون هویت باقی بماند. یکی از کاسبان قدیمی میدان پنج‌راه که به قول خودش بیش از ۲۰ سال آن جا کاسب بوده، دل‌پردری از این ماجراها دارد. او سال‌های سال شاهد خرید و فروش شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه و برخی اسناد هویتی دیگر بوده است، اما می‌گوید هیچ کدام آن‌ها به اندازه فروش شناسنامه‌های بچه‌هایی که پدرشان به خاطر اعتیاد، هویت آن‌ها را به حراج گذاشته، دلش را به درد نیاورده است: «دلال‌های شناسنامه و اسناد، تقریباً افراد مشخصی هستند. آن‌ها همیشه این حوالی پرسه می‌زنند و شناسنامه‌هایی را که برای فروش می‌آورند، با قیمت پایین می‌خرند و با قیمت بالاتر می‌فروشند. خیلی از افرادی که شناسنامه‌ها یا مدارک هویتی‌شان را برای فروش می‌آورند یا افراد معتادی هستند که هویت اعضای خانواده‌شان را برای فروش آورده‌اند یا افراد سارق که کارشان سرقت مدارک شناسایی است. تعدادی از مدارک هویتی

دور می‌شدم، به اسم‌های در شناسنامه‌ها فکر می‌کردم و اینکه این بچه‌ها قرار است بدون شناسنامه چه کار کنند؟ بهترین حالت این بود که این شناسنامه‌ها به سرقت رفته باشد و خانواده بچه‌ها دوباره برایشان شناسنامه بگیرند؛ اما چهره آن مرد معتاد جلوی چشمم بود که آمده بود شناسنامه بچه خودش را بفروشد. این را مرد ژولیده بعداً به من گفت. معلوم است همچنین پدری به فکر آینده فرزندش نیست، به فکر مدرسه رفتن، آینده و این بچه قرار بود تا چند سالگی



این‌ها کارشان درست است. از یک نفر که شناسنامه بخری، عکس را هم می‌گذارند رویش و مهری می‌زنند که خود اداره ثبت احوال به آن خوبی نمی‌زند.